

Governor Behaviorology in Imam Ali's letter to Malik Ashtar

Contextual analysis of behavioral statements with content analysis method

Received: 2018-12-23

Accepted: 2019-02-04

Somayeh Bakhshizadeh*

Hedyeh Taqavi**

The purpose of the present study is to investigate the psychological dimensions of governor behavior in Imam Ali's letter to Malek Ashtar and to draw an Islamic pattern of governor behavior. The research method was "content analysis" and, by analyzing the vocabulary meaningfulness, 57 behavioral statements used in the letter were extracted that based on content commonalities, were arranged in eight behavioral categories: ethnocentrism, controlling governor behavioral, fair evaluation of people's work, commitment to the treaty, covering imperfections of the people, not to be negligent in affairs, not spreading flattery and avoiding vengeance. The sum of the behavioral statements mentioned in the letter outlines the healthy community and bureaucracy that can lead to a vibrant, active, virtuous, responsible, growing, and moving society. Evaluation of Frequency of these propositions in terms of their categories showed that most repeated behavioral propositions is related to "ethnocentrism" with 18 propositions, following which the prevailing behavioral guidelines for dealing with people are such as: Ignorance and negligence, virtue, and bravery. The second most commonly used proposition is the concept of "controlling governor behavior" which addresses ethical guidelines such as self-control and avoidance of vitriolic language.

Keywords: Imam Ali, Malik Ashtar, Governor Behaviorology, Imam Ali's Instructions (Ahd) to Malik Ashtar.

*Ph.D. Student, Department of Islamic History, Lorestan University, Lorestan, Iran. bakhshizadehsomaye@gmail.com (Corresponding Author).

** Assistant Professor, Department of History, al-Zahra University, Tehran, Iran. h.taghavi@alzahra.ac.ir (Corresponding Author)



رفتارشناسی حاکم در نامه‌ی امام علی علیه السلام به مالک اشتر تحلیل متنی گزاره‌های رفتاری با روش تحلیل محتوا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

سمیه بخشی‌زاده**

هدیه تقوی***



سال بیست و دوم / شماره هشتاد و پنجم / بهار ۱۳۹۸

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد روان‌شناسی رفتار حاکم در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر و ترسیم الگویی اسلامی از رفتار حاکم است. روش پژوهش "تحلیل محتوا" بوده و با معناکاوی واژگان، ۵۷ گزاره رفتاری به کار برده شده در متن نامه استخراج گردید که بنابر مشترکات محتوایی در هشت مقوله رفتاری: مردم‌مداری، کنترل رفتاری حاکم، ارزش‌گذاری عادلانه بر کار مردم، پای‌بندی به عهد و پیمان، عیب‌پوشانی مردم، سهل‌انگاری نکردن در امور، گسترش ندادن تملق و چاپلوسی و پرهیز از انتقام و کین‌جویی جای گرفت. مجموع گزاره‌های رفتاری ذکر شده در متن نامه، جامعه و نظام اداری سالم را ترسیم می‌کند که در صورت رعایت آن‌ها می‌توان جامعه‌ای رشید، فعال، فضیلت‌محور، مسئولیت‌پذیر و در حال رشد و حرکت داشت. فراوانی‌سنجی این گزاره‌ها برحسب مقولات موجود در آن‌ها نشان می‌دهد که بیش‌ترین گزاره رفتاری مربوط به "مردم‌مداری" با ۱۸ گزاره بوده که در ذیل آن‌ها دستورالعمل‌های رفتاری حاکم در برخورد با مردم هم‌چون: تجاهر و تغافل، فضیلت‌سالاری و رشادت‌پروری بیان شده است.

* این مقاله مربوط است به همایش بین‌المللی «امام علی علیه السلام الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز» که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در اسفند ۱۳۹۷ برگزار شده است.

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول)
(bakhshizadeh.so@fh.lu.ac.ir).

*** استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران (h.taghavi@alzahra.ac.ir).

دومین گزاره‌ی پرکاربرد، مقوله‌ی "کنترل رفتاری حاکم" است که به دستورالعمل‌های اخلاقی هم‌چون: کنترل نفس و پرهیز از تندزبانی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، مالک اشتر، رفتارشناسی حاکم، عهدنامه مالک اشتر.

مقدمه

مسائل سیاسی و حاکمیتی به‌عنوان یکی از دغدغه‌های جوامع بشری از دیرباز در سیرالملوک‌ها، سیاست‌نامه‌ها، تاریخ‌الملوک‌ها و ... بازتاب یافته است. خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه نیز از جمله‌ی اسناد مهم سیاسی-تاریخی است که با استفاده از روش‌های جدید پژوهشی هم‌چون معناکاوی، صورت‌بندی گفتمانی، نظریه‌ی بنیادی و تحلیل محتوا می‌توان راهکارهای مهم حکومتی را از آن استخراج کرد. تلاش این مقاله آن است تا پیام‌های روان‌شناسی رفتار حاکم در متن نامه‌شناسایی شده و مورد تحلیل قرار گیرد. در بخش روان‌شناسی رفتار، ابعاد رفتاری حاکم در برخورد با مردم، کارگزاران، دیپلماسی خارجی و ... مورد تاکید قرار می‌گیرد. با وجود این‌که روان‌شناسی رفتار، علمی جدید است و اخیراً مورد توجه متفکران حوزه‌ی رفتاری قرار گرفته، اما امام علی علیه السلام اهمیت رفتار سیاسی و تاثیر آن در اداره‌ی جامعه را به‌عنوان یک رکن مهم حاکمیتی مطرح نموده و توصیه‌های جدی در این زمینه بیان کرده‌اند. مهم‌ترین سندی که این توصیه‌ها در آن بازتاب یافته و تصویری دقیق از رفتار حاکم را نشان می‌دهد، نامه‌ی ایشان به مالک اشتر است.

نامه‌ی امام علی علیه السلام به مالک اشتر دارای دو بخش مهم است: بخش مدیریتی و بخش رفتاری در نظام حکومتی جامعه‌ی اسلامی. آن حضرت در بخش مدیریتی، راهکارهای مناسب اداره‌ی جامعه و چگونگی رعایت حقوق متقابل حاکم و رعیت را که از اساسی‌ترین اصول سیاسی محسوب می‌شود، با زبانی ساده و درعین‌حال پرمعنا بیان کرده است. هرچند نمی‌توان ادعا کرد که در این الگو تمامی مباحث مربوط به مدیریت سیاسی جامعه مطرح شده‌اند، اما از آن‌جا که ایدئولوژی سیاسی-مدیریتی امام علی علیه السلام برخاسته از اصول اسلامی است، می‌توان الگوی مدیریت سیاسی اسلامی را از آن اخذ نمود. بخش دیگر نامه، مالک را به الگوی رفتاری خاصی توجه داده است. این وجه شخصیتی حاکم از درجه‌ی اهمیت بیش‌تری نسبت به بخش مدیریتی برخوردار است؛ زیرا حاکمی می‌تواند جامعه را اصلاح و به مسیر سالم هدایت کند که خود از سلامت رفتاری و اخلاقی مناسبی





برخوردار باشد. واکاوی این بخش از متن نامه‌ی امام در چهار مرحله‌ی تحلیلی: تولید متن نامه به لحاظ شرایط زمانی و سیاسی جامعه، شناسایی گزاره‌های رفتاری، فرایند مقوله‌بندی آن‌ها (رمزگذاری پیام) و معناکاوی واژگانی انجام می‌گیرد.

این سند پیش‌تر از زوایای متعددی مورد بررسی پژوهش‌گران قرار گرفته است. «بررسی سبک شناختی فرمان حکومتی امام علی علیه السلام به مالک اشتر» (خاقانی اصفهانی و قاسم پیوندی، ۱۳۹۰)، «طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه‌ی مالک اشتر و مقایسه‌ی آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی» (یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴)، «فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر» (خواجه سروی و زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۳)، «تامین اجتماعی در عهدنامه‌ی مالک اشتر» (کویانی، ۱۳۹۳) و «پدیدارشناسی تکنیک‌های امام علی علیه السلام برای صلح؛ مطالعه‌ی موردی عهدنامه‌ی مکتوب خطاب به مالک اشتر» (اسلامی و بهرامی عین‌القاصی، ۱۳۹۳) از جمله‌ی پژوهش‌های مرتبط با موضوع بحث مقاله‌ی حاضر است.

ضمن ارج نهادن به مطالعات صورت گرفته، که توجه ویژه‌ای به بخش مدیریتی نامه داشته‌اند، مقاله حاضر درصدد است ابعاد روان‌شناسی رفتار حاکم بر اساس محتوای نامه را مورد توجه قرار دهد. منظور از رفتار (behavior)، فعالیت گفتاری و عملی‌ای است که به صورت آشکار و پنهان در قالب اعمال جسمی، عاطفی و فعالیت عقلی در پاسخ به یک وضعیت معین به‌نحو قابل مشاهده بروز می‌یابد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵، ص. ۵۳). علت و انگیزه‌ی رفتار، موضوع مورد مطالعه‌ی رفتارگرایان در دو حوزه‌ی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی رفتار بوده است که با وجود تفاوت در زوایه‌ی دید، نظریات متنوعی ارائه داده‌اند (ریتزر، ۱۳۷۴، ص. ۲۵۱). در این مقاله صرفاً از شاخصه‌های رفتاری با کمک تکنیک روشی جهت‌شناسایی و تحلیل گزاره‌ها استفاده شده است.

۱. روش پژوهش

همگام با رشد علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش‌های پژوهش اولیه در علوم اجتماعی و انسانی پی برده و با ابداع و ارائه‌ی تکنیک‌های روشی تلاش کرده است پژوهش‌های علوم مذکور را از پایایی بیش‌تری برخوردار سازد. در واقع، روش پژوهش علمی مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر و نظام‌یافته‌ای جهت بررسی وقایع، روایت‌ها و کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است (عزتی، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۴). یکی از مهم‌ترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به

موضوع، شرایط و هدف این تحقیق کاربرد بیش تری برای محققان دارد، روش بررسی اسناد است که از طریق اسناد مکتوب (نظیر انتشارات عمومی، نسخه‌های محدود، اسناد کمیاب و نقشه‌ها) و اسناد غیرمکتوب (نظیر عکس‌ها، فیلم‌ها، آثار هنری به‌جای‌مانده از گذشتگان) صورت می‌گیرد (کرپندورف، ۱۳۷۸، ص. ۳۵).

در این پژوهش که به‌دنبال شناسایی و ارائه‌ی دستاورد جدید و نهفته‌ی سیاسی در متن نامه‌ی امام علی علیه السلام به مالک اشتر است، از روش "تحلیل محتوا" - که روشی پژوهشی و علمی برای تفسیر متن است - استفاده کرده‌ایم. این روش، تکنیک پژوهشی مناسب و مجموعه‌ای از ابزارهای روش‌شناختی دقیقی است که هنر تفسیر و نقادی متن را سهل‌تر و محقق را برای دریافت آن‌چه که مخفی و پوشیده شده است، اما به‌طور بالقوه و ناگفته در هر پیام از متن وجود دارد، کمک می‌کند (باردن، ۱۳۷۵، ص. ۳) و امکان دست‌یابی به شناخت، بینشی نو و تصویری واقعی از متن را فراهم می‌سازد (همان).

لورنس باردن تحلیل محتوا را فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوای متن می‌داند (همان، ص. ۲۹). این روش در رابطه با متونی کاربرد پیدا می‌کند که به‌منظور انتقال پیام و مفاهیم نوشته و ماهیتی مشخص دارد (هولستی، ۱۳۷۳، ص. ۸۶). پژوهش حاضر درصدد است با به‌کارگیری تکنیک‌های این روش، مفاهیم رفتاری نهفته در متن نامه را به‌صورت نظام‌مند استخراج و بازبایی کند و معانی پنهان آن‌ها را شناسایی و تحلیل نماید. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها از قوانین و دستورات مشخص تحلیلی محتوایی گرفته شده است.

پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل محتوا تلاش دارد به این سوالات پاسخ دهد: متن کی تولید شده؟ چگونه و با چه تاثیری گفته شده؟ چرا و برای چه کسی گفته شده؟ (همان، ص. ۴۵). سوالات مذکور در مراحل تحلیلی، که قبلاً ذکر شد، مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

۲. شرایط تولید متن عهدنامه‌ی مالک

محتوای نامه نشان می‌دهد که علی بن ابی‌طالب پس از انتصاب مالک به فرمانداری مصر، این نامه را با مضامین متنوع و پر مغز برای ایشان نوشته است. هرچند متن نامه در منابع تاریخی، به‌ویژه در منابع اولیه ذکر نشده است، اما اکثر مورخین اسلامی تا قرن چهارم هجری از قبیل طبری (۱۹۶۷م، ج ۵، صص. ۹۵-۹۶)، مسعودی (۱۴۰۹ق، ج ۲، صص. ۴۱۰-۴۱۱)، ابن هلال ثقفی (۱۳۵۳، ج ۱، صص. ۲۵۹-۲۶۰)، ابن سعد (۱۴۱۰ق، ج ۶، ص. ۲۳۹) و یعقوبی (بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۹۴) به بیان وضعیت سیاسی جامعه‌ی اسلامی به‌ویژه مصر در ذیل





حوادث سال سی و هشتم هجری پرداخته و انتصاب مالک به عنوان فرماندار مصر همراه با نامه‌ای که امام به مردم مصر نوشته بودند را بیان کرده‌اند. متن این نامه که به "عهدنامه‌ی مالک" شهرت دارد و مخاطب آن حاکم مصر است، با عنوان نامه‌ی ۵۳ علی بن ابی طالب در نهج البلاغه (۱۳۶۸، صص. ۳۲۵-۳۴۱) ذکر شده است (مشار، ۱۳۵۰، صص. ۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۳۹۲ و ۱۳۰۰ و رفاعی، ۱۳۷۱، ص. ۳۲۰).

داده‌های مذکور مشخص می‌سازند که زمان تولید متن این نامه، سال سی و هشتم هجری و هم‌زمان با انتصاب مالک به ولایت مصر به سبب آشفتگی و نابه‌سامانی آن ناحیه در دوره‌ی ولایت محمد ابن ابی بکر بوده است. وضعیت سیاسی جامعه‌ی اسلامی در بازه‌ی زمانی مذکور، بی‌ثبات و نابه‌سامان بود. در این سال که می‌توان آن را سال سوم خلافت امام علی علیه السلام عنوان کرد، جامعه‌ی اسلامی دچار چند دستگی (شهرستانی، ۱۹۹۸م)،^۱ انفعال سیاسی (تقوی، ۱۳۸۶)،^۲ ایجاد ارباب و وحشت در حوزه‌ی قلمرو علی علیه السلام توسط معاویه (همان)، قدرت طلبی معاویه و تلاش او برای تسلط سیاسی بر جامعه، ایجاد جریان‌های فکری و اندیشه‌ای متعدد و مخرب (خوارج) و غیره بود.

این حجم از تشتت، وضع پرتلاطم و آشفتگی را نشان می‌دهد که جامعه‌ی اسلامی با آن روبه‌رو شده بود. چنین شرایطی در دو سال پایانی خلافت علی علیه السلام به‌خصوص پس از حکمیت و پیدایش جریان خارجی‌گری مشکلات عدیده‌ای برای خلیفه‌ی مشروع مسلمین ایجاد کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم تبعیت برخی والیان و قشرهای مختلف مردم از فرامین و دستورات ایشان بود (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص. ۸۹). در این شرایط نابه‌سامان، برخی گروه‌های مصری علیه محمد بن ابی بکر شورش کرده و از خلیفه‌ی مسلمین والی دیگری طلبیدند (همان، صص. ۹۵-۹۶). علی بن ابی طالب نیز مالک اشتر را که بر "موصل"، "نصیبین"، "دارا"، "سنجار"، "آمد"، "هیت" و "عانات" و تمام مناطق سرزمین جزیره ولایت داشت، دعوت کرد و وی را به ولایت مصر گماشت (ابن مزاحم، ۱۳۸۲، ص. ۱۳).

۱. در همین بازه‌ی زمانی جریان‌های فکری مختلف و متعددی هم‌چون: مرجئه، معتزله، خوارج و غیره که از خاکستر اختلافات داخلی بیرون آمد، جامعه را به سمت تفرق سوق دادند.

۲. هرچند انفعال سیاسی در جامعه‌ی اسلامی از اواخر عصر نبوی ایجاد شد و به تدریج گسترش یافت، اما اوج انفعال و بی‌تفاوتی مردم نسبت به دغدغه‌های دینی و دستورات خلیفه‌ی مشروع مسلمین را می‌توان در دو سال پایانی خلافت امام علی مشاهده کرد.

منابع تاریخی بدون ذکر عهدنامه‌ی مذکور اذعان داشته‌اند که وقتی علی بن ابی طالب مالک را به ولایت مصر منصوب کرد چنین به او فرمود:

کسی جز تو مرد این کار نیست. خدایت رحمت کند. حرکت کن که اگر دستور نمی‌دهم رای تو را بس می‌دانم. در مهمات امور خویش از خدا کمک بخواه؛ درشتی و نرمی را به هم در کن. آن جاکه نرمی باید، نرمی کن و وقتی جز به درشتی کار از پیش نرود، درشتی کن. (طبری، ج ۵، صص. ۹۵-۹۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، صص. ۴۱۰ و ۱۱؛ و ابن هلال ثقفی، ۱۳۵۳، صص. ۲۵۹-۲۶۰).

دستورات مذکور با محتوای عهدنامه مالک همخوانی دارد، اما در مقایسه با آن، بخش کوچکی از نحوه‌ی رفتار حاکم با مردم را بیان کرده است؛ درحالی‌که در عهدنامه‌ی مالک این وجه شخصیتی حاکم بازتاب بیش‌تری یافته و گزاره‌های متعددی در مورد آن بیان شده است.

عهدنامه‌ی مالک به لحاظ کمی طولانی‌ترین عهدنامه‌ی امام علی علیه السلام به یک والی است که نظیر آن در هیچ کدام از فرامین ایشان به والیان دیگر دیده نمی‌شود. به لحاظ کیفی نیز دربردارنده‌ی مضامین حقوقی، دستورالعمل‌های مهم سیاسی برای اداره‌ی جامعه، ایجاد رفاه عمومی، عدالت اقتصادی، فرامین اجتماعی (حفظ حقوق مردم با هر دین و نژاد و مذهب، رعیت‌نوازی، برخورد مناسب با اقوام و گروه‌های مختلف) است و بخش مهمی نیز به شخصیت رفتاری حاکم به‌عنوان زمامدار جامعه توجه کرده است. این بعد نیز در عهدنامه‌ی مالک نسبت به دیگر فرامین علی علیه السلام به والیان بی‌نظیر است.

با توجه به تنوع موضوعی در محتوای عهدنامه می‌توان گفت که هدف و قصد امام علی علیه السلام از نوشتن آن، ارائه‌ی الگویی نظری و تئوریک از شخصیت حاکم و چگونگی اداره‌ی جامعه با معیارهای اسلامی بوده است؛ الگویی که در هر برهه‌ی زمانی و مکانی قابلیت اجرایی دارد. درواقع این نامه سیره‌ی نظری از شخصیت رفتاری، اجتماعی و سیاسی حاکم مورد تأیید اسلام را در برخورد با اقشار مختلف و متعدد جامعه بیان می‌کند.

۳. شناسایی گزاره‌های رفتاری حاکم در عهدنامه‌ی مالک

باتوجه به طولانی‌بودن متن نامه و گستردگی ابعاد محتوایی آن، گزاره‌های رفتاری شناسایی و به تفکیک آورده شده است تا ضمن معرفی، فرایند رمزگذاری و مقوله‌یابی آن‌ها نیز در مرحله‌ی بعد صورت گیرد. از آنجایی‌که گزاره‌ها باید با دقت شناسایی و معرفی می‌شدند، متن اصلی عهدنامه به زبان عربی مبنا قرار گرفته و فرایند رمزگذاری نیز





از آن استخراج شده است؛ اما برای سهولت خوانندگان ترجمه‌ی گزاره‌ها برحسب شماره‌ی آن‌ها در پی‌نوشت آورده شده است.

۳,۱. متن نامه به تفکیک گزاره‌های رفتاری

۱. وَ أَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَيَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ؛^۱
۲. فَاْمَلِكْ هَوَاكَ، وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ؛^۲
۳. وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ؛^۳
۴. وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ؛^۴
۵. فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ؛^۵
۶. وَ لَا تَتَدَمَّنَنَّ عَلَى عَفْوٍ؛^۶
۷. وَ لَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبَةٍ؛^۷
۸. وَ لَا تُسْرِعَنَّ إِلَى بَادِرَةٍ وَجَدْتَ مِنْهَا مَنُذُوحَةً؛^۸
۹. وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَاطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ؛^۹
۱۰. فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ، وَ يَكْفُ عُنْكَ مِنْ غَرَبِكَ؛^{۱۰}
۱۱. إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشْبِهَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ؛^{۱۱}
۱۲. وَ أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعَهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ؛^{۱۲}
۱۳. وَ لِيَكُنَّ أَعْدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَسْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ؛^{۱۳}

۱. او را دستور می‌دهد که نفس را به وقت خواسته‌های نابه‌جا درهم شکنند و آن را به‌هنگام سرکشی‌ها بازدارد؛
۲. بنابراین بر هواهای مسلط باش، نسبت به خود از آن چه بر تو حلال نیست بخل بورز؛
۳. مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خود قرار ده؛
۴. بر رعیت هم‌چون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را؛
۵. به خطایشان منگر و از گناهشان درگذر؛
۶. از گذشتی که از مردم کرده‌ای پشیمان مشو؛
۷. و برکیفری که داده‌ای شاد مباش؛
۸. و به خشمی که راه بیرون رفتن از آن وجود دارد، شتاب مکن؛
۹. و فریاد مزین که من بر شما گمارده‌ام، فرمان می‌دهم باید اطاعت شوم؛
۱۰. که این نظر کبر و غرورت را می‌نشانند و تندی و شدت را از تو بازمی‌دارد؛
۱۱. از برابرداشتن خود با عظمت حق و از تشبیه خود با جبروت خداوند برحذر باش؛
۱۲. و همگانی‌ترین‌اش در عدالت و جامع‌ترین‌اش در خشنودی رعیت باشد؛
۱۳. باید دورترین رعیت تو از حریم تو و در شدت کینه‌ی تو نسبت به او کسی باشد که در حق مردم عیب‌جوتر است؛

۱۴. فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا لِّوَالِيٍّ أَحَقُّ مِنْ سِتْرَهَا؛^۱
۱۵. فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ؛^۲
۱۶. فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ؛^۳
۱۷. أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حَقْدٍ؛^۴
۱۸. وَاقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَتْرٍ؛^۵
۱۹. وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضِحُّ لَكَ؛^۶
۲۰. ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَى الْأَلَّا يُطْرُوكَ وَلَا يَبْجَحُوكَ بِيَاظِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحَدِّثُ الزَّهْوَ وَتُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ؛^۷
۲۱. وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَتَدْرِييًّا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ؛^۸
۲۲. وَالزَّمَّ كَلًّا مِنْهُمْ مَا الزَّمَّ نَفْسَهُ؛^۹
۲۳. وَإِعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بَادَعَى إِلَى حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَتَخْفِيفِهِ الْمَوْنَاتِ عَلَيْهِمْ وَتَرَكَ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَى مَا لَيْسَ لَهُ قِبَلَهُمْ فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرَعِيَّتِكَ؛^{۱۰}



۱. در مردم عیبوی هست که والی در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است؛
۲. پس در رابطه با عیبوی که از مردم بر تو پنهان است کنجکاوی مکن، چراکه فقط در آن چه از عیوب مردم نزد تو معلوم است وظیفه‌ی اصلاح داری و نسبت به آن چه از عیوب رعیت بر تو پنهان است خداوند داوری می‌کند؛
۳. پس تا می‌توانی عیوب مردم را بیوشان تا خداوند عیوب تو را که علاقه داری از مردم پوشیده بماند؛
۴. گره هر کینه‌ای که از مردم به دل داری بگشای؛
۵. و رشته هر انتقامی را قطع کن؛
۶. و در هر چه از دیگران برایت ثابت نشده خود را به غفلت زن؛
۷. و آنان را آن‌چنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند و بیهوده به کاری که انجام نداده‌ای تو را شاد نمایند که تمجید فراوان ایجاد کبر و نخوت کند و به گردن‌کشی نزدیک نماید؛
۸. نیکوکار و بدکار در برابرت یکسان نباشند؛ نیکوکار را در انجام کار نیک بی‌رغبت، و بدکار را در بدی ترغیب می‌کند؛
۹. هر کدام را نسبت به کارشان پاداش بخش؛
۱۰. آگاه باش که چیزی برای جلب خوش‌بینی حاکم بر رعیت بهتر از نیکی به آنان، و سبک‌کردن هزینه بر دوش ایشان، و اجبار نکردن‌شان به حقی که حاکم بر آنان ندارد نیست؛ به‌صورتی باید رفتار کنی که خوش‌گمانی بر رعیت را در کمک همه‌جانبه به حاکم فراهم آری؛



۲۴. وَ تَوَطِّينَ نَفْسِيهِ عَلَى لُزُومِ الْحَقِّ، وَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ فِيمَا خَفَّ عَلَيْهِ أَوْ تَقَلُّ؛^۱
۲۵. وَ لَا يَتَفَاقَمَنَّ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ قَوَّيْتَهُمْ بِهِ؛^۲
۲۶. وَ لَا تَحْقِرَنَّ لُطْفًا تَعَاهَدْتَهُمْ بِهِ؛^۳
۲۷. وَ لَا تَدْعُ تَفَقُّدَ لَطِيفِ أُمُورِهِمْ إِتْكَالًا عَلَى جَسِيمِهَا؛^۴
۲۸. فَافْسَحْ فِي آمَالِهِمْ وَ وَاصِلْ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ؛^۵
۲۹. ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ مَا أُبْلَى؛^۶
۳۰. وَ لَا تَضْمَنَّ بِلَاءَ امْرِيٍّ إِلَى غَيْرِهِ وَ لَا تُقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بِلَائِهِ؛^۷
۳۱. وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرِيٍّ إِلَى أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَ لَا ضَعْفَ امْرِيٍّ إِلَى أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا؛^۸
۳۲. مِمَّنْ لَا يَزِدُّهُ بِهِ إِطْرَاءٌ وَ لَا يَسْتَمِيلُهُ إِغْرَاءٌ؛^۹
۳۳. وَ لَا تُصْعِرْ خَدَكَ لَهُمْ؛^{۱۰}
۳۴. وَ نَحِّ عَنْهُمْ الضِّيقَ وَ اللَّانَفَ؛^{۱۱}
۳۵. وَ اعْطِ مَا أُعْطِيَتْ هَنِيئًا؛^{۱۲}
۳۶. وَ اِمْنَعْ فِي إِجْمَالٍ وَ إِعْذَارٍ؛^{۱۳}
۳۷. وَ إِنْ ظَنَنْتِ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَاصْحِرِي لَهُمْ بِعُذْرِكَ وَ اِعْدِلِي عَنْكَ ظُنُونَهُمْ

۱. و مهیا نمودن خود بر به کارگیری حق و استقامت بر آن، چه اینکه بر او آسان باشد یا سخت؛
۲. نباید چیزی که آنان را به وسیله‌ی آن نیرومند می‌سازی، در دیده‌ات بزرگ آید؛
۳. و لطفی که نسبت به ایشان متعهد شده‌ای کوچک شماری؛
۴. از بررسی امور ناچیز آنان به امید بررسی کارهای بزرگشان چشم‌پوش؛
۵. پس آرزوهای رعیت را برآور و نیکوستودن آنان را پیوسته دار؛
۶. سپس کوشش هر یک از آنان را به دقت بشناس؛
۷. و زحمت کسی را به دیگری نسبت مده و در اجر و مزدش به اندازه‌ی رنجی که برده کوتاهی مکن؛
۸. و مقام کسی باعث نشود که کوشش اندکش را بزرگ شماری و معمولی‌بودن شخص علت نگردد که کار بزرگش را اندک دانی؛
۹. کسی که ستایش مردم او را دچار خودبینی نکند و تمجید و تعریف او را به تعریف‌کننده مایل ننماید؛
۱۰. و رخ از آنان (عامه مردم) برمتاب؛
۱۱. تنگ‌خویی و غرور و خودپسندی نسبت به آنان را از خود دور کن؛
۱۲. آن‌چه عطا می‌کنی به خوش‌رویی عطا کن؛
۱۳. و خودداری از عطا را با مهربانی و عذر همراه نما؛

- بِإِصْحَارِكَ؛^۱
۳۸. عَهْدَكَ بِالْوَفَاءِ؛^۲
۳۹. فَلَا تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَلَا تَخَيْسِنَنَّ بِعَهْدِكَ؛^۳
۴۰. فَلَا إِذْغَالَ وَلَا مُدَالَسَةَ وَلَا خِدَاعَ فِيهِ؛^۴
۴۱. وَلَا يَدْعُونَكَ ضَيْقُ أَمْرٍ لَزِمَكَ فِيهِ عَهْدُ اللَّهِ إِلَيْ طَلَبِ إِنْفِسَاخِهِ بِغَيْرِ الْحَقِّ؛^۵
۴۲. فَلَا تَطْمَحَنَّ بِكَ نَخْوَةَ سُلْطَانِكَ عَنْ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمُقْتُولِ حَقَّهُمْ؛^۶
۴۳. وَإِيَّاكَ وَالْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَّةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا؛^۷
۴۴. وَحُبَّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرُصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ؛^۸
۴۵. وَإِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ؛^۹
۴۶. أَنْ تَعْدَهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ؛^{۱۰}
۴۷. وَإِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا؛^{۱۱}
۴۸. أَوْ التَّسْقُطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا؛^{۱۲}
۴۹. أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ؛^{۱۳}
۵۰. أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ؛^{۱۴}
۵۱. وَإِيَّاكَ وَالْإِسْتِثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ؛^{۱۵}

۱. هرگاه رعیت گمان ستمی بر تو ببرد آشکارا عذرت را به آنان ارائه کن و به اظهار عذر گمان‌های آنان را از خود بگردان؛
۲. به عهد وفا کردن؛
۳. پس در آن چه به عهده گرفته‌ای خیانت نوز، و پیمان خود را مشکن؛
۴. بنابراین در عهد و پیمان خیانت و فریب و مکر روا نیست؛
۵. و نباید در تنگنا افتادنت به‌خاطر این که عهد و پیمان خدا برای تو الزام‌آور شده تو را به فسخ آن به‌طور نامشروع بکشاند؛
۶. مبدا نخوت حکومت تو را از پرداخت خون‌بها به خاندان مقتول مانع گردد؛
۷. از خودپسندی و تکیه بر آن چه تو را آلوده به خودپسندی کند، برحذر باش؛
۸. و از علاقه به ستایش و تعریف مردم برحذر باش؛
۹. پرهیز از این که احسانت را بر رعیت منت گذاری؛
۱۰. یا به رعیت وعده‌ای دهی و خلاف آن را به‌جا آوری؛
۱۱. از عجله در کارهایی که وقتش نرسیده؛
۱۲. یا سهل‌انگاری نکردن در اموری که انجامش ممکن شده؛
۱۳. یا لجبازی در چیزی که نامعلوم است؛
۱۴. یا سستی در آن چه که روشن است؛



۵۲. وَ التَّغَابَىٰ عَمَّا تُعْنَىٰ بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ؛^۲

۵۳. اِمْلِكْ حَمِيَّةَ اَنْفِكَ، وَ سُوْرَةَ حَدِّكَ؛^۳

۵۴. وَ سَطُوْةَ يَدِكَ؛^۴

۵۵. وَ غَرْبَ لِسَانِكَ؛^۵

۵۶. وَ اِحْتَرَسْ مِنْ كُلِّ ذَلِكِ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ؛^۶

۵۷. وَ تَاخِيْرَ السُّطُوْةِ حَتَّىٰ يَسْكُنَ غَضْبُكَ فَتَمْلِكَ الْاِخْتِيَارَ؛^۷

۳,۲. رمزگذاری (مقوله‌یابی) گزاره‌های رفتاری حاکم در عهدنامه‌ی مالک

متن نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر پس از مقدمه‌ی کوتاهی که علت نوشتن فرمان به مالک را بیان کرده، قبل از پرداختن به ابعاد مدیریتی و اداره‌ی جامعه، بر بعد روان‌شناسی رفتاری تاکید کرده و گزاره‌های مهمی در این زمینه ارائه داده است. مقوله‌یابی گزاره‌های مذکور مشخص می‌سازد که کدام مقوله‌ی رفتاری نسبت به دیگر مقولات در متن نامه از بسامد بیش‌تری برخوردار بوده است. جهت تحقق چنین امری با مطالعه‌ی دقیق گزاره‌ها، مقوله‌های رفتار شناسایی و برحسب شماره‌ی گزاره‌ها، فراوانی‌سنجی آن‌ها به‌دست آمده که در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول ۱: شناسایی و معرفی مقوله‌های رفتاری حاکم بر اساس گزاره‌های رفتاری در

عهدنامه مالک

شماره‌ی گزاره‌ها	مقوله رفتاری	تعداد	درصد
۳-۴-۵-۶-۷-۹-۱۲-۱۸-۲۳-۲۵	مردم‌مداری	۱۸	۳۱/۰۳۴
۲۶-۲۸-۳۳-۳۵-۳۶-۳۷-۴۵-۵۴			

۱. از این که چیزی را به خود اختصاص دهی در حالی که همه‌ی مردم در آن مساوی هستند بپرهیز؛

۲. و از غفلت در آن چه که توجه تو به آن ضروری است و برای همگان معلوم است، برحذر باش؛

۳. خویشتن‌داری در هنگام خشم و سرکشی نیاوردن؛

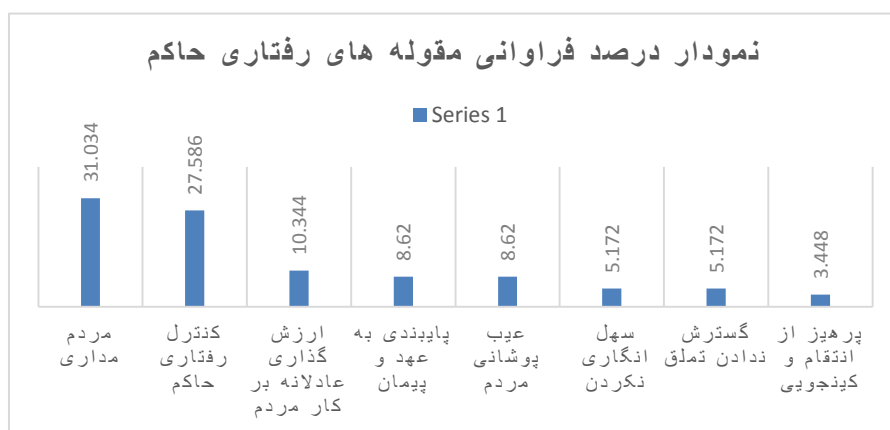
۴. دست قهر پیش نیاوردن؛

۵. تیزی زبان گذاشتن؛

۶. سخن ناستجیده بر زبان نیاوردن؛

۷. عنان اختیار به دست گرفتن با کنترل خشم.

۲۷/۵۸۶	۱۶	کنترل رفتاری حاکم	۱-۲-۸-۱۰-۱۱-۳۲-۳۴-۴۲-۴۳- ۴۷-۴۹-۵۱-۵۳-۵۵-۵۶-۵۷
۱۰/۳۴۴	۶	ارزش گذاری عادلانه بر کار مردم	۲۱-۲۲-۲۷-۲۹-۳۰-۳۱
۸/۶۲۰	۵	پای بندی به عهد و پیمان	۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۶
۸/۶۲۰	۵	عیب پوشانی مردم	۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹
۵/۱۷۲	۳	سهل انگاری نکردن در امور	۴۸-۵۰-۵۲
۵/۱۷۲	۳	گسترش ندادن تملق و چاپلوسی	۲۰-۲۲-۴۴
۳/۴۴۸	۲	پرهیز از انتقام و کین جویی	۱۷-۱۸
۱۰۰	۵۸	۸	مجموع



اطلاعات جدول نشان می دهد که دو مقوله ی "مردم مداری" و "کنترل رفتاری حاکم" از بیشترین بسامد برخوردار است. این دو مقوله با گزاره های ذکر شده، ۳۸ گزاره از ۵۸ گزاره ی رفتاری را به خود اختصاص داده اند (در مجموع بیش از ۵۸ درصد). آمار مذکور ۸۵



مشخص می‌سازد که مردم‌مداری و شخصیت رفتاری حاکم در برخورد با مردم مهم‌ترین دغدغه‌ی امام علی علیه السلام بوده و ایشان الگویی نظری که از بازدارندگی نیز برخوردار باشد را برای حاکمان اسلامی ترسیم کرده است. معناکاوی واژگان مندرج در مقولات، ابعاد محتوایی رفتارشناسی حاکم را بیش‌تر نمایان می‌سازد.

۳.۲.۱. مردم‌مداری

در مقوله‌ی "مردم‌مداری" مؤلفه‌های مورد تاکید عبارتند بودند از: ملایمت و مهربانی با رعیت (گزاره‌ی شماره ۴-۳)، عفو و بخشش رعیت و پشیمان‌نشدن در عفو مردم (گزاره‌ی ۶، ۵)، شادنشدن در عقوبت‌دادن (گزاره‌ی ۷)، زورنگفتن به مردم (گزاره‌ی ۹)، خشنودی رعیت (گزاره‌ی ۱۲)، کسب اعتماد و خوش‌گمانی رعیت (گزاره‌ی ۲۳)، برآوردن خواسته‌های مردم (گزاره‌ی ۲۸)، عذرخواهی از مردم در صورت قصور (گزاره‌ی ۳۷)، خوش‌رویی در عطا به مردم (گزاره‌ی ۳۵)، عذر در عطاندادن به مردم (گزاره‌ی ۳۶)، پیشی‌نگرفتن در قهر با مردم (گزاره‌ی ۵۴)، بزرگ‌نمایی‌نکردن خدمت به مردم (گزاره‌ی ۲۵)، ارزش‌نهادن به امور مردم (گزاره‌ی ۲۷)، پرهیز از منت‌نهادن به مردم (گزاره‌ی ۴۵)، کوچک‌نشمردن لطف به مردم (گزاره‌ی ۲۶)، اهمیت توجه به عامه‌ی مردم (گزاره‌ی ۳۳).

در این مقوله که بیش‌ترین درصد گزاره‌های رفتاری به آن اختصاص یافته، واژه‌های مهم و کلیدی که اساس و بنیان رفتار حاکم در ارتباط با مردم را شکل می‌دهد، بیان شده است. در گزاره‌ی سوم عبارت «الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةُ لَهُمْ وَاللُّطْفُ بِهِمْ» به کار رفته است. در این گزاره سه واژه‌ی مهم "رحمت"، "محبت" و "لطف" در برخورد حاکم با رعیت مورد تاکید قرار گرفته است. این واژه‌ها مهم‌ترین بعد رفتاری حاکم هستند که ارتباط حاکم با مردم به صورت ارباب رعیتی و حاکم و محکومی - که در نظام‌های دیکتاتوری و استبدادی است - را به رابطه‌ای نزدیک و بدون ترس مردم از حاکم تبدیل کرده است. عبارت «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ» که در رفتارهای سیاسی اهمیت فراوانی دارد، حاکم را از هرگونه رفتار خشن و بی‌مبالات با مردم برحذر می‌دارد. در این عبارت ترکیب «سَبْعًا ضَارِيًا» (نهج‌البلاغه، ص. ۳۲۶) به معنی حیوان شکاری که خوردن را غنیمت می‌شمارد، به کار رفته است. به نظر می‌رسد منظور از خوردن مردم، تسلط و غلبه‌ی حاکم بر اموال مردم و استفاده‌ی آن به نفع شخصی بوده باشد؛ زیرا خوردن همانند حیوان درنده با حرص و ولع در گرفتن اموال بیش‌تر معنا پیدا می‌کند.

واژه‌ها و عبارت‌های دیگری چون عَفْوُكَ (عفو و بخشش رعیت)، لَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبَةٍ

(شادنشدن در عقوبت دادن رعیت)، اَلْعَدْلُ (عدالت‌ورزی)، اِقْطَعُ عَنكَ سَبَبَ كُلِّ وَتِرٍ (پرهیز از کین‌جویی از رعیت)، فَافْسَحْ فِيْ اَمَالِهِمْ (برآوردن خواسته‌های مردم)، وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ (اهمیت‌دادن به عامه‌ی مردم) و ... همگی از گزاره‌های رفتار عملی و نه صرفاً گفتاری حاکم در برخورد با مردم است که حاکم را ملزوم به رعایت آن‌ها کرده است. این مفاهیم ضامن رعایت حقوق مردم توسط حاکم است.

۳،۲،۲. کنترل رفتاری حاکم

در مقوله‌ی کنترل رفتاری حاکم، مؤلفه‌های ذکرشده در گزاره‌های رفتاری عبارتند از: کنترل نفس (گزاره‌ی ۲، ۱)، پرهیز از تکبر و خودبزرگ‌بینی (گزاره‌ی ۵۱، ۳۲، ۱۱، ۱۰)، پرهیز از خودپسندی (گزاره‌ی ۴۳، ۴۲، ۳۴، ۱۰)، شکیبایی و صبر پیشه‌کردن (گزاره‌ی ۴۷)، لجاجت‌نکردن (گزاره‌ی ۴۹)، کنترل خشم (گزاره‌ی ۵۳، ۱۰، ۸)، پرهیز از تندزبانی (گزاره‌ی ۵۵)، پرهیز از ناسنجیده‌گویی (گزاره‌ی ۵۶).

واژه‌های مهم و معنی‌داری که تعیین‌کننده‌ی شخصیت رفتاری حاکم است نیز عبارتند از: شهوات (نفسانیات)، الجمحات (سرکشی و تاختن) (ابن‌منظور، ج ۲، ص. ۴۲۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۰۱)، هواک (هوای نفس)، بادره (نشانه‌ها و آثار خشم) (زیبیدی، ج ۶، ص. ۶۳ و مهیار، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۲)، مومر (در گزاره‌ی ۹ به معنای فرمان‌دادن همراه با زور)، غریب (در این گزاره به معنای سیاه‌شدن چهره از شدت تندی و خشم)، اطراء (ستایش فراوان؛ در این عبارت منظور ستایش همراه با تملق) (مهیار، ۱۳۷۶، ص. ۸۹)، ضیق (در تنگنا قرار گرفتن)، تطمحن (تکبر و نخوت)، لجاجت و ... این واژه‌ها نشان می‌دهند که حاکم ابتدا باید از لحاظ شخصیتی از درجه‌ی بالایی از سلامت روحی و روانی و تعادل رفتاری برخوردار شده و شایستگی و قابلیت لازم برای حاکمیت را داشته باشد. پس از این توصیه‌های جدی که از لحاظ اولویت‌بندی رفتاری به‌عنوان نخستین توصیه‌های امام به حاکم مطرح شد، مقوله‌ی رفتار حاکم در برخورد با مردم اهمیت می‌یابد. ایشان در این زمینه توصیه‌های مهمی نموده‌اند که در تحلیل مضمونی گزاره‌ها به آن پرداخته می‌شود.

۳،۲،۳. ارزش‌گذاری بر کار مردم

مقوله‌ی "ارزش‌گذاری بر کار مردم" از مقولاتی است که بسترهای رشد را در جامعه فراهم می‌آورد؛ زیرا وقتی مردم احساس کنند که تلاش و حضور آنان در عرصه‌های مختلف بی‌نتیجه نمی‌ماند، رغبت و تمایل بیش‌تری برای فعالیت در جامعه نشان می‌دهند.





در گزاره‌ی ۲۱ عبارت: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ»، واژه‌ی "سواء" به معنی یکسانی (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص. ۴۰۸) است که در این عبارت تفاوت‌قائل شدن و یکسان‌ندانستن نیکی و بدی مورد نظر بوده است. در واقع این عبارت شایسته‌سالاری و فضیلت‌محوری را به حاکم گوشزد می‌کند.

گزاره‌ی «وَالزَّمِ كَلًّا مِنْهُمْ مَا الزَّمِ نَفْسَهُ» بر پاداش دادن به مردم متناسب با کار و تلاش تاکید دارد. واژه‌ی الزم به معنای عطا دادن است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۴۱۰) که بر عطای عادلانه تاکید دارد. گزاره‌ی ۲۷ «وَلَا تَدْعُ تَقْدُّ لَطِيفِ أُمُورِهِمْ إِنْكَالًا عَلَى جَسِيمِهَا» حاکم را ملزم کرده که کارهای کوچک مردم را نیز مورد توجه قرار دهد و صرفاً به کارهای بزرگ توجه نکند. واژه‌ی "لطیف" به معنای کوچک و ظریف در مقابل "جسیمها" به معنای بزرگ به کار رفته است. این گزاره حاکم را ملزم کرده که صرفاً به انجام کارهای بزرگ توسط مردم که به چشم می‌آیند، توجه نکند، بلکه تلاش‌های کوچک و ظریف آنان را نیز بی‌پاداش نگذارد. در واقع این عبارت رفتار تشویقی حاکم در برخورد با مردم که نتیجه آن می‌تواند ترویج کار و تلاش در جامعه باشد را بیان داشته است؛ زیرا در گزاره‌ی ۲۹ «ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أُبْلَى» حاکم را به دقت و شناخت کوشش‌های مردم توصیه کرده و اهمیت کار و تلاش در جامعه و احساس اطمینان و امنیت به مردم را مورد تاکید قرار داده است.

دو گزاره‌ی ۳۰ و ۳۱ اهمیت بسیار زیادی در نظام اقتصادی و اجتماعی یک جامعه دارد. در این گزاره‌ها عبارات «وَلَا تَضْمَنَّ بِلَاءَ أَمْرٍ إِلَى غَيْرِهِ وَلَا تَقْصُرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بِلَائِهِ» و واژه‌های «لَا تَضْمَنَّ» و «لَا تَقْصُرَنَّ» به معنای نسبت‌ندادن و کوتاهی نکردن است. این گزاره‌ها دو مسأله‌ی مهم رفتاری حاکم در برخورد با مردم را مطرح کرده است: ۱. کار و زحمت کسی به کس دیگر نسبت داده نشود؛ ۲. اجر و پاداش به هرکس به اندازه‌ی رنج و زحمت او داده شود. این گزاره اصل مساوات و حق‌مداری را در جامعه در برخورد با کوشش‌های مردم بیان کرده است.

گزاره‌ی ۳۱ از گزاره‌هایی است که جزو اصول و ارزش‌های اسلامی و کرامت‌انسانی است و اگر در هر جامعه‌ای عملیاتی و اجرایی شود، بسیاری از مشکلات اجتماعی آن جامعه حل خواهند شد. «وَلَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ أَمْرٍ إِلَى أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا وَلَا ضَعْفُ أَمْرٍ إِلَى أَنْ تَسْتَضْعِرَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا» معنای این گزاره چنین است: و مقام کسی باعث نشود که کوشش اندکش را بزرگ شماری و معمولی‌بودن

شخص علت نگردد که کار بزرگاش را انسک دانسی. این گزاره وظیفه‌ی سنگینی در بعد رفتاری برعهده‌ی حاکم گذاشته است که در برخورد با مردم و کوشش آن‌ها مقام و موقعیت افراد سبب احجاف حقوق افراد دیگر نشود.

۳،۲،۴. پای‌بندی به عهد و پیمان

یکی از هنجارهای اجتماعی "وفای به عهد و پیمان" است. بی‌گمان هر جامعه‌ای با پیوندهای استواری به هم پیوسته است که اجازه‌ی فروپاشی و واگرایی را به افراد آن جامعه نمی‌دهد. در این میان عهد و پیمان‌هایی که به شیوه‌های گوناگون میان افراد جامعه بسته می‌شود، موجبات استواری و استحکام بیش‌تر و همگرایی فزون‌تر را به افراد جامعه می‌بخشد؛ زیرا هرچه عهد و پیمان میان افراد یک جامعه افزایش یابد، همکاری و همگرایی میان افراد آن جامعه افزایش می‌یابد. این هنجار اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی هر جامعه‌ای به‌شمار می‌آید. از این‌روست که در همه‌ی ملل و ادیان به‌عنوان یک اصل بنیادین مورد توجه و تاکید قرار گرفته و هنجارشکنان به شیوه‌ها و روش‌های گوناگون نکوهش و سرزنش شده و از جامعه رانده می‌شوند.

عمده‌ترین آسیب اجتماعی پیمان‌شکنی، سلب اعتماد عمومی است. احساس اعتماد متقابل، پشتوانه‌ی محکمی برای فعالیت‌های اجتماعی است. اگر وفای به عهد از جامعه‌ی انسانی رخت بریندد و پیمان‌ها یکی پس از دیگری شکسته شوند، سرمایه‌ی بزرگ اعتماد عمومی به غارت خواهد رفت و جامعه‌ی به‌ظاهر متشکل، به اجزایی پراکنده خواهد شد. امام علی علیه السلام بادر نظر داشتن تاثیر وفای به عهد و پیمان بر مناسبات اجتماعی، در گزاره‌های ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۴۶ به این مهم پرداخته و حاکم را ملزم به رعایت این اصل کرده است.

۳،۲،۵. عیب‌پوشانی مردم

مقوله‌ی "عیب‌پوشانی مردم" که پنج گزاره‌ی رفتاری را شامل شده است، حاکم را به اتخاذ شیوه رفتاری تجاهل (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص. ۱۲۹)، تغافل (همان، ص. ۴۹۸) و تساهل (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص. ۱۱۴) ترغیب می‌کند. این نمونه‌های رفتاری که در سنت نبوی و علوی نه‌تنها در برخورد با مردم، بلکه حتی در برخورد با مخالفان نیز بسیار دیده شده، حاکم را به حفظ آبروی مسلمانان و فاش‌نساختن عیوب آنان حتی در صورت آگاهی بر آن فرا خوانده (ر.ک: صدیق حمیدی، ۱۳۹۶) و الگویی عملی در برخورد با مردم و مخالف ارائه داده است.



۳،۲،۶. سهل انگاری نکردن در امور مردم

مقوله‌ی "سهل انگاری نکردن در امور مردم" مسئولیت پذیری حاکم در برابر وظایف محوله را مورد تاکید قرار داده است. این مقوله که در سه گزاره‌ی ۴۸، ۵۰ و ۵۲ با عباراتی «أَوْ التَّسَقُّطُ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا»، «أَوْ الْوَهْنُ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ» و «التَّغَابِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ» آمده است. این گزاره‌ها سه واژه‌ی مهم را برای حاکم در ارتباط با امور مردم مورد تاکید قرار داده است. "التَّسَقُّطُ" (خطا و لغزش نکردن) (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص. ۳۱۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص. ۲۸۸ و مهیار، ۱۳۷۶، ص ۳۲۸)، "الْوَهْنُ" (سستی نکردن، سهل انگاری نکردن؛ و گاهی نیز به ضعف در عمل، امر، فرمان و جسم نیز معنا شده است) (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص. ۲۳۶) و "التَّغَابِي" (غفلت کردن) (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص. ۱۱۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص. ۱۹ و مهیار، ۱۳۷۶، ص. ۳۴۱) واژه‌هایی هستند که بار معنایی عبارت بر آن می‌چرخد و نسبت به هرگونه سستی، سهل انگاری و غفلت حاکم در برابر امور مردم هشدار می‌دهد.

۳،۲،۷. گسترش ندادن تملق و چاپلوسی

مقوله‌ی "گسترش ندادن تملق و چاپلوسی" در جامعه یکی از مقوله‌های بسیار مهمی است که نه تنها جنبه‌ی روان‌شناسانه دارد، بلکه از بعد جامعه‌شناسی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا جامعه‌ی متملق جامعه‌ای است که رشادت و قدرت انتقاد از مردم در برخورد با حاکمیت - در صورت عدول از موازین - سلب شده و به جامعه‌ای ترسو و منفعل تبدیل گردیده است. به نظر می‌رسد علی علیه السلام با توصیه به حاکم در بال و پرن دادن به متملقان و دوری گزیدن از آن‌ها، نه تنها درصدد بوده که جامعه را هم‌چنان رشید و فعال در صحنه نگه دارد، بلکه ابعاد روان‌شناسی تملق و اثرات آن بر رفتار حاکم نیز مدنظر قرار داده است؛ زیرا ستایش و تمجید تملق‌آمیز از حاکم می‌تواند اثرات رفتاری سوئی از قبیل: ایجاد غرور در حاکم، عیب‌پوشانی حاکم، عدم بیان ضعف‌های او و در نهایت ایجاد زمینه‌های سلطه و استبداد حاکم را فراهم آورد. علی علیه السلام در گزاره‌ی ۲۰ به عواقب این نوع رفتار هشدار داده و فرموده است: «كَثْرَةُ الْأِطْرَاءِ تُحْدِثُ الزُّهْوَ وَ تُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ». در این عبارت سه واژه‌ی مهم که از تملق ایجاد می‌شود را گوشزد کرده است: کبر، نخوت و گردن‌کشی. همین واژه‌های رفتاری زمینه‌ساز استبداد حاکم هستند.

۳،۲،۸. پرهیز از انتقام و کین جویی

امام علی علیه السلام در گزاره‌های ۱۷ و ۱۸ به مقوله‌ی رفتاری "پرهیز از انتقام و

کینه‌جویی " توسط حاکم می‌پردازد و در گزاره‌ی ۱۷ نیز با استفاده از واژه‌ی "حَقْد" از آن یاد می‌کند. حقد به طلب انتقام و انتقام‌کشیدن و تحقق آن تعریف شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص. ۱۵۴). جرجانی در کتاب تعریفات خود آن را گاه به بدگمانی در دل نسبت به مردمان به سبب دشمنی معنی کرده و گاه آن را به خشم دایمی فروخورده‌شده تعریف نموده است که شخص آن را به هر علتی فرو می‌خورد؛ چون نمی‌تواند آن را در همان حال درمان کند، در درونش نفوذ می‌کند و نهان می‌شود و به شکل کینه بروز و ظهور پیدا می‌کند (جرجانی، ۲۰۱۱ق، ص. ۸۰).

حقد یکی از رذایل اخلاقی است که هم به خود شخص کینه‌ورز آسیب جدی روانی و روحی وارد می‌سازد و موجب افسردگی و پریشانی و ازدست‌رفتن حالت تعادل و سلامت او می‌شود، و هم به شکل عمل موجب رفتارهای زشت و زیان‌بار نسبت به شخصی می‌شود که مورد حقد و کینه قرار گرفته است. از این رو کینه‌جویی و حقد، سلامت جامعه را در معرض تهدید قرار داده و مانع خردورزی و عقلانیت انسان می‌شود. کینه‌توزی و حس انتقام‌جویی به آدمی این اجازه را نمی‌دهد که درباره‌ی دیگران درست بیندیشد و آن‌ها را دقیق بشناسد. بدیهی است که کینه‌توزی، اندیشه و نتیجه‌ی آن را به سمت نادرستی می‌کشانند و عقل را وامی‌دارد که در جهت انتقام‌گرفتن از دیگران و برای ضربه‌زدن به آن‌ها حرکت کند. کینه‌توزی در جامعه فتنه و آشوب می‌آفریند و هرگاه بر شمار کینه‌توزان افزوده شود، این دشمنی به بیماری تبدیل خواهد شد و زندگی و پیشرفت جامعه را به شدت تهدید خواهد کرد. بدین جهت امام علی علیه السلام حاکم اسلامی را از این رذالت خلاق برحذر داشته است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده پیرامون رفتارشناسی حاکم در متن عهدنامه‌ی مالک اشتر موجب شناسایی پنجاه و هفت گزاره‌ی رفتاری گردید که بنابر مشترکات محتوایی در هشت مقوله‌ی رفتاری به نام‌های مردم‌مداری، کنترل رفتاری حاکم، ارزش‌گذاری عادلانه بر کار مردم، پای‌بندی به عهد و پیمان، عیب‌پوشانی مردم، سهل‌انگاری نکردن در امور، گسترش‌ندادن تملق و چاپلوسی و پرهیز از انتقام و کین‌جویی جای گرفت. هرکدام از این مقولات در بردارنده‌ی نکات مهمی است که برخی از نکات کلیدی هر مبحث به‌صورت موردی بیان شد.





در مقوله‌ی "مردم‌مداری" از حاکم خواسته شده بنیان رفتار خود با مردم را بر اساس رحمت، محبت و لطف بنا کند و از این طریق ارتباط مردم با خود را به رابطه‌ای نزدیک و بدون ترس تبدیل نماید؛ از سوی دیگر امام علیه السلام حقوق مردم نسبت به حاکم را گوشزد کرده و از او خواسته در احقاق حقوق آنان کوشا باشد. برخورداری از سطح بالای سلامت روحی و روانی و تعادل رفتاری حاکم را می‌توان نکته‌ی محوری مورد توجه امام علیه السلام در مقوله‌ی کنترل رفتاری حاکم معرفی کرد. اهمیت تعادل رفتاری حاکم در بروز رفتارهای مناسب و پرهیز از خشونت در زبان و عمل، از موارد مهمی است که در متن عهدنامه مورد تاکید قرار گرفته است؛ این بعد رفتاری در صورت رعایت توسط حاکم می‌تواند بر رفتار آحاد جامعه در برخورد با هم نیز تاثیرگذار باشد.

در مقوله‌ی "ارزش‌گذاری بر کار مردم" نیز امام از حاکم می‌خواهد کار مردم را بر اساس سه اصل ۱. نسبت‌ندادن کار و زحمت کسی به دیگری، ۲. پرداخت پاداش هرکس به اندازه‌ی رنج و زحمت او و ۳. توجه به کار انجام‌شده و نه موقعیت و مقام فرد انجام‌دهنده‌ی کار مورد ارزش‌یابی قرار دهد. ایشان هم‌چنین حاکم را از شکستن عهد و پیمان و عمده‌ترین آسیب اجتماعی آن، که همانا سلب اعتماد عمومی است، برحذر داشته؛ و در مقوله‌ی پای‌بندی به عهد و پیمان، حاکم را ملزم به رعایت این اصل کرده است. مقوله‌ی "عیب‌پوشانی مردم" نیز حاکم را به اتخاذ شیوه‌ی رفتاری تجاهل، تغافل و تساهل ترغیب می‌کند و حاکم را به حفظ آبروی مسلمانان و فاش‌نساختن عیوب آنان، حتی در صورت آگاهی بر آن، فرامی‌خواند. مقوله‌ی "سهل‌انگاری نکردن در امور مردم" مسئولیت‌پذیری حاکم در برابر وظایف محوله را مورد تاکید قرار می‌دهد. ایشان هم‌چنین با توصیه به حاکم در بال‌وپرندادن به متملقان و دوری‌گزیدن از آن‌ها، کبر و نخوت و گردن‌کشی را حاصل این نوع رفتار بیان می‌کنند؛ امری که زمینه‌ساز ایجاد استبداد حاکم می‌شود.

مجموع گزاره‌های رفتاری ذکرشده در متن نامه، جامعه و نظام اداری سالم را ترسیم می‌کند که در صورت رعایت آن‌ها می‌توان جامعه‌ای رشید، فعال، فضیلت‌محور، مسئولیت‌پذیر و در حال رشد و حرکت داشت.

منابع

- ابن سعد. (۱۴۱۰ق.). *طبقات الكبرى*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور. (۱۴۱۶ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسلامی، ر.؛ بهرامی عین القاصی، و. (۱۳۹۳). *پدیدارشناسی تکنیک‌های امام علی (علیه السلام) برای صلح؛ مطالعه‌ی موردی عهدنامه‌ی مکتوب خطاب به مالک اشتر*. جستارهای سیاسی معاصر، سال پنجم، شماره ۳، ص. ۱۷-۱.
- اصفهانی، ر. (۱۴۱۲ق.). *المفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- باردن، ل. (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*. ترجمه م. آشتیانی، م. یمینی دوزی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ثقفی، ا.ه. (۱۳۵۳). *الفجرات*. تهران: انجمن آثار ملی، جلد ۱.
- جرجانی، ع.م. (۲۰۱۱م.). *معجم التعریفات*. تحقیق م.ص. المنشاوی. [بی‌جا]: دارالفضلیه.
- خاقانی اصفهانی، م.؛ قاسم پیوندی، ز. (۱۳۹۰). *بررسی سبک‌شناختی فرمان حکومتی امام علی به مالک اشتر*. کتاب قیم، دوره اول، شماره ۳، ص. ۱۳۸-۱۲۹.
- خواجه سروی، غ.ر.؛ زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۳). *فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر*. پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳، ص. ۶۴-۲۷.
- رفاعی، ع.ج. (۱۳۷۱). *معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زبیدی، م.م. (۱۴۱۴ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارمکتبه الحیاه.
- سید رضی. (۱۳۶۸). *نهج البلاغه*. ترجمه ج. شهیدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعاری‌نژاد، ع.ا. (۱۳۷۵). *مبانی روان‌شناختی تربیت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهرستانی، م.ع.ک. (۱۹۹۸م.). *الملل و النحل*. بیروت: دار والمکتبه الهلال.
- صدیق حمیدی، ف. (۱۳۹۶). *نوع‌شناسی رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برخورد با مخالفت‌های مسلمانان*. استاد راهنما: د. ولوی؛ استاد مشاور: د. ناصری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (علیها السلام).
- طبری، م.ج. (۱۹۶۷م.). *تاریخ الطبری*. بیروت: دارالتراث العربی، جلد ۵.
- عزتی، م. (۱۳۷۶). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.



- کاویانی، م.ه. (۱۳۹۳). *تامین اجتماعی در عهدنامه‌ی مالک اشتر*. پژوهش‌های فقهی، دوره دهم، شماره ۳، ص. ۶۰۹-۶۲۸.
- کریپندورف، ک. (۱۳۷۸). *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*. ترجمه ه. نائینی. تهران: انتشارات روش.
- مسعودی، ع.ح. (۱۴۰۹ق.). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. قم: دار الهجره، جلد ۲.
- مشار، خ.ب. (۱۳۵۰). *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*. تهران: [بی‌نا].
- مصطفوی، ح. (۱۴۳۰ق.). *التحقیق فی کلمات قرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، م. (۱۳۸۷). *آشنایی با علوم اسلامی؛ حکمت عملی*. تهران: انتشارات صدرا.
- منتهایی، ا. (۱۳۵۸). *فقر از دیدگاه امام علی علیه السلام*. پیامبر اسلام. شماره ۶، ص. ۲۳۶ - ۲۶۰.
- موسایی، م. (۱۳۸۳). *اصول کلی حاکم بر تولید از دیدگاه امام علی علیه السلام*. *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۶، ص. ۹۹-۱۲۶.
- مهیار، ر. (۱۳۷۶). *فرهنگ ابجدی فارسی - عربی*. تهران: اسلامی.
- نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲). *وقعه صفین*. القاهره: المؤسسة العربية الحديثه.
- هولستی، ل.ر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه ن. سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یعقوبی، ا.و. (بی‌تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار صادر.
- یوسفی شیخ رباط، م.ر.؛ بابایی، ف. (۱۳۹۴). *طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی*. *اقتصاد اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۵۷، ص. ۳۱-۶۲.





References

1. Barden, L. (1996). content analysis. Translated by M. Ashtiani, M. Yemenis. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
2. Esfahani, R. (1991). The words of the Qur'an. Beirut: Dar al-Qalam.
3. Ezzati, M. (1997). Research in Social Sciences. Tehran: Economic Research Institute of Tarbiat Modarres University.
4. Finally, A. (1979). Poverty from Imam Ali's point of view. Prophet. No. 6, p. 236-260.
5. Georgjani, UM (2011). Extravagance. Research MS Al-Mensawi.] Elsewhere [: Dar al-Fazliyah.
6. Holsty, L. R. (1994). Content analysis in social sciences and humanities (N. Salarzadeh Amiri Trans.). Tehran: Allameh Tabataba'i University.
7. Ibn Manzur. (1995). Arabic language. Beirut: Rebuilding of Al Arabi Al-Arab.
8. Ibn Sa'ad. (1989). Alcohol classes. Beirut: Dar al-Kutab Al-Umayyah.
9. Islami, R. & Bahrami Ein al-Qas'i, V. (2014). The Phenomenology of Imam Ali's Techniques for Peace; A Case Study of a written treaty addressed to Malek Ashtar. Contemporary Political Queries, Fifth Year, No. 3, p. 17-1.
10. Kaviani, M.H. (2014). Social Security in the Treaty of Malik Ashtar. Jurisprudential Research, Volume 10, Number 3, pp. 628-609.
11. Khaghani Isfahani, M. Ghasem Pivandi, Z. (2011). A Stylistic Study of Imam Ali's Governmental Order to Malik Ashtar. The Guardian Book, Volume I, Number 3, p. 138-129.
12. Khawaja Survey, Zarei Mahmoud Abadi, H. (2014). The favorable political culture at the command of Imam Ali (AS) to Malik Ashtar. Strategic Research in Politics, No. 3, p. 64-27.
13. Krippendorf, K. (1999). Principles of Content Analysis Methodology. Translation e. Nai. Tehran: Rosh Publications.
14. Mahyar, R. (1997). Persian-Arabic Abjad Culture. Tehran: Islamic.
15. Massoudi, AH (1988). Promoters of Al-Jahab and the Mines of Al-Jawhar .. Qom: Dar al-Hijra, Volume 2.
16. Moses, M. (2004). General principles governing production from Imam Ali's viewpoint. Islamic Economics, No. 16, p. 99-126.
17. Mostafavi, H. (2009). Examining the words of the Holy Quran. Beirut: Dar al-Kutab Al-Umayyah.
18. Motahari, M. (2008). Introduction to Islamic Sciences; Practical Wisdom. Tehran: Sadra Publications.
19. Nasr ibn Mozahim. (2003). Safine event. Cairo: Al-Arabiya al-Haditha Institute.

20. Neshar, ok. (1971). List of Persian printed books. Tehran: [Bina].
21. Rafi, AJ (1992). Our holy books are al-Rasul and Ahl al-Baleb. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
22. Saghafi, ah. (1974). Algharat. Tehran: National Works Association, Volume 1.
23. Sayyed Razi. (1989). Nahj al-Balagha. Translated c. Martyr. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
24. Sediq Hamidi, F. (2017). The typology of the Prophet's behavior in the face of Muslim opposition. Supervisor: d. Wolves; Professor of Consulting: d. Naseri. Masters Thesis. Tehran: Faculty of Literature, Al-Zahra University.
25. Shahrastani, MA (1998). International and Solvent. Beirut: Dar al-Maktab Al-Hilal.
26. Shariinejad, IA (1996). The psychological foundations of education. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
27. Tabari, MA (1967). Alphabetical history (Vol. 5). Beirut: Dar al-Truth al-Arabi.
28. Yaghoubi, O. (n.d.). Jacobite history. Beirut: Dar al-Sadir.
29. Yousefi Sheikh Rabat, M. R. & Babaei, F. (2015). Designing a Good Governance Model Based on Malek Ashtar's Letter and Comparing it with the Principles of Good Governance of the World Bank. Islamic Economics, Fifteenth Year, No. 57, pp. 62-31.
30. Zubidi, MM (1993). My crown jewel. Beirut: Darmaktabat ehahah.

